

Abstract

The trial stage is very important in the criminal process. Because, it is at this stage that the fate of criminal cases and the type or nature of criminal law responses to criminals are determined. In the field of criminal law for children and adolescents, this stage is more sensitive. Because delinquent children and adolescents are in the developmental stage and any decision made by the criminal justice system can affect their future behavior. Meanwhile, the issuing authority for children and adolescents is one of the most important factors in combating This is a crime and preventing its recurrence. In order to achieve the sacred goal of protecting the highest interests of children and adolescents in conflict with the law, despite the fact that the principle of equality of persons before the law and the courts in the constitution (Articles 19 and 20 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran) Special cases in the investigation of crimes of certain social groups, but due to the achievements of criminal science and criminology and the recommendation of international documents, in the criminal justice systems of most countries, a special juvenile court with special jurisdiction to establish charges against children and juveniles The third paragraph of Article 40 (b) of the Convention on the Rights of the Child provides for the establishment of an independent and impartially competent judicial authority to try children and juveniles.

آیین دادرسی کیفری اطفال ناظر بر مرحله ی ضمن محاکمه با نگاه به حقوق مدنی و سیاسی ایران و اسناد جامعه ی ملل

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۲

هادی پور مطلق^۱

سیاوش جانی پور کرم^۲

چکیده

مرحله دادرسی در فرایند کیفری اهمیت بسیاری دارد. زیرا، در این مرحله است که سرنوشت دعوای کیفری و نوع یا ماهیت پاسخهای حقوق کیفری به بزهکاران تعیین میشود. این مرحله از حساسیت بیشتری برخوردار است. چرا که کودکان و نوجوانان بزهکار در مرحله رشد و پرورش قرار دارند و اتخاذ هرگونه تصمیم از سوی نظام عدالت کیفری میتواند در آینده رفتاری آنان تاثیرگذار باشد. در این میان، مرجع صادر کننده حکم برای کودکان و نوجوانان، یکی از مهمترین عوامل در مبارزه با بزهکاری این دسته و پیشگیری از تکرار آن، به شمار میآید. به منظور تامین هدف مقدس حمایت از منافع و مصالح عالیه کودکان و نوجوانان معارض با قانون، با وجود این که اصل تساوی افراد در برابر قانون و دادگاهها در قوانین اساسی (اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) متضمن ممانعت از تشکیل دادگاههای ویژه در رسیدگی به جرایم گروههای اجتماعی خاص است، لیکن با توجه به دستاوردهای علوم جنایی و جرمشناسی و توصیه اسناد بین المللی، در نظامهای دادرسی کیفری غالب کشورها، دادگاه ویژه اطفال با صلاحیت اختصاصی رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان تشکیل شده است. بند سوم قسمت ب ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک، تشکیل مرجع قضایی واجد صلاحیت مستقل و بی طرف را در مورد رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان پیش بینی و مقرر کرده است.

کلید واژه: دادگاه اختصاصی، پلیس زن، مددکار اجتماعی، مشاور متخصص، بازداشت پیش از محاکمه

^۱دانشجوی دکتری، استادیار

^۲دانشجوی دکتری

مرحله دادرسی در فرایند کیفری اهمیت بسیاری دارد. زیرا، در این مرحله است که سرنوشت دعوای کیفری و نوع یا ماهیت پاسخهای حقوق کیفری به بزهکاران تعیین میشود. کودکان و نوجوانان بزهکار در مرحله رشد و پرورش قرار دارند و اتخاذ هرگونه تصمیم از سوی نظام عدالت کیفری میتواند در آینده رفتاری آنان تاثیرگذار باشد. (نیازپور، ۱۳۹۳، ۱۳۳) در این میان، مرجع صادر کننده حکم برای کودکان و نوجوانان، یکی از مهمترین عوامل در مبارزه با بزهکاری این دسته و پیشگیری از تکرار آن، به شمار میآید. بنابراین آنچه در این مرحله قابل توجه میباشد تشکیل دادگاههای اختصاصی برای اطفال و نوجوانان است. در حوزه حقوق کیفری اطفال، خوشبختانه اکثر نظامهای حقوقی با رغبت و استقبال فراوان در جهت اختصاصی نمودن دادگاهها گام برداشتهاند. (طبق مقررات قانون دادگاه اطفال شیکاگو، جلسه دادگاه برای رسیدگی به کار کودکان ناسازگار، باید در سالن دیگری غیر از سالن دادگاه جنائی تشکیل شود. این دادگاه میتواند برای هدایت، راهنمایی یا اصلاح و تربیت اطفال سرپرستی تعیین نماید و یا اینکه مقررات تامینی و تربیتی خاصی درباره کودکان بزهکار اعمال کند.) قانون گذار ایران نیز با نگارش ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به پیشینی دادگاه اختصاصی برای کودکان و نوجوانان همت گماشته است. در واقع رویکرد قانونگذار در جرایم اطفال و نوجوانان مثبت بوده و دادگاه آنان را جزء دادگاههای اختصاصی قرار داده و شیوه افتراقی را در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان برگزیده است. (مهابدی، ۱۳۹۳، ۲۷۱).

این دادگاه اهمیتی بیش از دادگاه بزرگسالان دارد، زیرا تنها وظیفه مجازات و کنترل مجرمین را برعهده ندارد؛ بلکه مسئولیت مراقبت و اصلاح اطفال نیز برعهده این دادگاه است که از رهگذر صدور آراء مناسب و پاسخهای بازپرورانه تحقق مییابد. از این رو، لزوم شناسایی شخصیت و علل بزهکاری، اجرای روشهای خاص برای اصلاح و تربیت یا درمان به منظور پیشگیری از تکرار جرم، امکان تغییر دادن روشها با تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان، مهمترین انگیزه تفکیک آیین دادرسی کودکان و نوجوانان از آیین دادرسی کیفری بزرگسالان و تأسیس دادگاههای خاص کودکان و نوجوانان را تشکیل میدهد. (دانش ۱۳۸۵، ۱۰۱) در نتیجه پیش بینی نهاد دادرسی مستقل از مجرمین بزرگسال همراه با سازوکارهای حمایتی، سبب کنارگذاری الگوی عدالت کیفری و رویکرد سزاگرایی حاکم بر آن میگردد.

در قوانین شکلی کیفری کودک مدار، دادرسی باید به گونهای مقرر شود که حریم خصوصی کودک یا نوجوان را کاملا حفظ کند و از زدن برچسب به اتهام به او بپرهیزد؛ در روند دادرسی وی را مشارکت دهد؛ متخصصان مددکاری اجتماعی حق دفاع در فرآیند دادرسی یا اصل حق داشتن وکیل را رعایت کند؛ دادگاهی مستقل پیشبینی کرده و قضات ویژه اطفال آشنا به حقوق کودک برای انجام دادرسی انتخاب کند؛ پلیس ویژه اطفال برگزیند. برای مثال، مصادیق اشخاصی را که بر مبنای اعلام جرم ایشان میتوان مرتکب را تعقیب کرد توسعه دهد. همچنین، به افزایش حدود اختیارات ضابطان دادگستری برای نجات کودکان و نوجوانان بزه دیده و در معرض خطر بپردازد و سرانجام، به جرائم علیه کودکان و نوجوانان به صورت فوری و خارج از نوبت رسیدگی شود و از افشای مشخصات و هویت کودک و نوجوان بزه دیده جلوگیری به عمل آورد.

بند ۴ ماده ۴ مقرر میدارد که در خصوص اتهامات اشخاص صغیر، سن و مطلوبیت مورد حمایت از بازسازی آنها باید در دادرسی مورد توجه قرار گیرد. اشخاص صغیر میبایست حداقل از همان تضمینات و حمایتی بهره‌مند گردند که بزرگسالان وفق ماده ۱۴ میثاق از آن برخوردارند. علاوه بر این، اشخاص صغیر نیاز به حمایت ویژه دارند. مخصوصاً اینکه در دعاوی کیفری، اشخاص صغیر میبایست بدون واسطه از اتهامات خود مطلع شوند مساعدت لازم برای تدارک و ارائه دفاع از آنها فراهم گردد؛ در اسرع وقت در یک دادرسی منصفانه، حتی‌الامکان با حضور وکیل حقوقی، سایر حمایت کنندگان مناسب و والدین یا سرپرستان قانونی آنها محاکمه شوند، مگر در صورتی که به خصوص با توجه به سن و وضعیت آنها، مغایر با مصلحت طفل شناخته شود. تا حد ممکن، میبایست از بازداشت، پیش از محاکمه و در خلال آن، اجتناب شود.

اقدامات دیگر غیر از دادرسی کیفری، همانند مشاوره یا خدمات اجتماعی یا برنامه‌های آموزشی، در هر زمان که لازم باشد، به خصوص در جایی که موجب پیشبرد فرایند بازسازی اجتماعی اشخاص صغیری میشود که حسب ادعا، طبق مقررات کیفری، مرتکب عمل ممنوعه شده‌اند، میبایست مورد بررسی قرار گیرند.

۱-۱-۱- قاضی ویژه اطفال

قاضی اطفال هسته مرکزی و محوریت تشکیلات قضایی اطفال است، بنابراین، باید مجرب و علاقمند به امور اطفال و متخصص در مسائل مربوط به آنها باشد، به نحوی که وظیفه سنگین مدیریت دادرسی منصفانه کودک معارض با قانون را به گونهای به انجام برساند که از موجود نظم‌گریز و گاهی مسئولیت ناپذیر، فردی جامعه‌پذیر و منطقی بسازد. برای ایفای این نقش خطیر، قاضی اطفال و نوجوان و یا مقام صلاحیتدار، باید مسلط به حقوق و روانشناسی کودک، جامعه‌شناسی، روانشناسی جنایی و جرم‌شناسی بوده و از هر نظر شایستگی احراز مقام یاد شده را دارا باشد. لذا ضروری است، برای ایجاد شایستگیهای حرفهای لازم برای آنها دوره‌های آموزشی خاص گذاشته شود.

اهمیت این موضوع موجب شد تا کمیته حقوق کودک از دولتهای عضو بخواهد که انتخاب قضات خاص و متخصص یا رئیس دادگاههای بخشی که در برخورد با پرونده دادرسی نوجوان هستند را تضمین کنند.

کمیته همچنین اعلام میدارد برای رعایت انصاف در دادرسی اطفال ضروری است که همه افراد متخصص در مواجهه با اطفال بزهکار مخصوصاً قضات از آموزشهای مناسب برای اطلاع یافتن از محتوا و معنای مقررات کنوانسیون حقوق کودک استفاده کنند. این آموزشها باید شامل علل اجتماعی و سایر علل بزهکاری نوجوانان و جنبه‌های روانشناسی و سایر جنبه‌های پیشرفت و رشد کودکان با توجه به جنس آنها و اقلیت یا بومی بودن آنها و فرهنگ و تمایلات مربوط به مردم مختلف جهان باشد تا قاضی درباره اقدامات خاص و تصمیمگیری، مناسبتر عمل کند.

در واقع الزام مندرج در صدر بند یک ماده ۴ کنوانسیون، در وهله اول متوجه قاضی دادگاه اطفال است. همچنین مقررات پکن در بند ۱/۶ به ضرورت صلاحیت کارکنان عهده‌دار خدمات دادرسی نوجوانان اشاره کرده است و بند ۶/۳ آن مقرر کرده کسانی که اختیار دخالت در سطوح مختلف دادرسی ویژه نوجوانان را دارند، باید واجد صلاحیت

بوده و آموزش خاص را جهت استفاده بصیرانه از اختیارات و وظایف خود دیده باشند. طبق بنده ۵/۸ رهنمودهای ریاض نیز مجریان قانون باید در جهت پاسخگویی به نیازهای خاص نوجوانان آموزش داده شوند.

در این مورد باید سعی شود تعداد مناسبی از زنان و اقلیتها در دستگاههای دادرسی ویژه نوجوانان حضور داشته باشند. سپس در تفسیر این ماده توضیح داده شده است: امکان دارد مقامات صلاحیتدار برای تصمیمگیری درباره اطفال بزهکار، افرادی با سوابق بسیار متفاوت باشند، برای همهی مقامها، آشنایی حداقل با حقوق، جامعه‌شناسی، روانشناسی و جرم‌شناسی و علوم رفتاری لازم است. این امر به همان اندازه دارای اهمیت است که تخصص سازمانی و استقلال مقامهای صلاحیتدار مهم است. (جانی پور، همان، ۱۲۲-۱۲۳)

۲-۱-۱- پلیس اطفال و نوجوانان

پلیس نقش حساسی را در دادرسی نوجوانان ایفا مینماید زیرا به عنوان دروازه‌بان فرایند رسمی نوجوانان خدمت میکند و مسئولیت اولیه شناسایی و پیگرد نوجوانان قانونشکن بر عهده آنهاست. البته مداخله در مواقعی صورت میگیرد که رفتار یک شهروند، نظم جامعه را به خطر میاندازد اغلب، ماموران پلیس موارد نقض قانون توسط نوجوانان را بی خطر تلقی میکنند مگر اینکه نوجوان تکرارکننده جرم (مجرم مزمن) مرتکب آن شود یا دربرگیرنده خسارات عمده‌ای به اشخاص یا اموال باشد. نوجوانانی که مرتکب رفتار خلاف میشوند اغلب مورد اغماض قرار میگیرند یا به طور غیررسمی با آنها برخورد میشود. البته پلیس با مجرمین خطرناک که اعمال مجرمانه آنها شبیه به اعمال بزرگسالان است برخورد مینماید، اما اینها تنها اقلیت کوچکی از مجرمین را تشکیل میدهند. مجرمین نوجوان خشن آن دسته از نوجوانی هستند که به علت ارتکاب جرایمی نظیر قتل، تجاوز جنسی، سرقت و حمله شدید، بزهکار شناخته شده‌اند.

۳-۱-۱- پلیس زن

یکی از ابعاد اصلی مأموریت نیروی انتظامی، تامین امنیت فردی و عمومی پیشگیری از جرایم است. در بین افراد تشکیل دهنده یک اجتماع، دو قشر زنان و کودکان در معرض آسیب پذیری بیشتری هستند. نیروی انتظامی به منظور پاسخدهی به نیازها و جلوگیری از آسیب پذیری این دو قشر از جامعه، اقدام به جذب و بکارگیری پلیس زن کرده است. چنین هدفی به روشنی در سیاستگذارهای کیفری منعکس گشته و منجر به پیشبینی ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری شده است. به دیگر سخن، کودک در سایه حمایت روحیه لطیف زنانه و ذهنیت اجتماعی کودک از زن در جامعه، میتوانند از امنیت روانی لازم در تحقیقات مقدماتی پلیس، برخوردار شوند. (ملک زاده هاشمی، ۱۳۹۰: ۸۵)

تفاوتهای رفتاری فیزیولوژیک در زنان و مردان نیز باعث میشود پلیس زن در مأموریتهای خود، رفتارهایی مناسب با وضعیت کودکان بزهکار (یا تحت اتهام) داشته باشد. این موضوع از آنجا اهمیت مییابد که در بسیاری از موارد کودکان و نوجوانانی که مورد اتهام واقع شده‌اند، ممکن است بیگناه باشند و بروز رفتار خشن پلیسی ممکن است اثرات و لطمات روحی و روانی جبرانناپذیری در آنها باقی بگذارد که به سادگی قابل جبران نباشد. بنابراین بهتر است که پلیس زن بیشتر در قالب یک مددکار ظاهر گردد و به جای آن که بر جنبه پلیسی نقش خود تأکید داشته باشد، به عنوان یک مشاور و مددکار برخوردار نماید. همچنین، ضروری است که نیروهای پلیس زن مرتبط با کودکان و نوجوانان، از میان

افرادی انتخاب شوند که ضمن علاقه‌مندی در این حوزه، علاوه بر تحصیلات دانشگاهی در رشته علوم پایه انتظامی، در رشته روانشناسی نیز تحصیل کرده باشند تا در انجام ماموریتها، به نحوه احسن انجام وظیفه نمایند.

قاضی متخصص برای برقراری ارتباط با کودک نیازمند بهره‌مندی از خدمات مشاور تربیتی، روانشناس یا روانپزشک است. چنین بهره‌مندی در تعیین مجازات و تناسب آن با وضعیت و شخصیت کودک، کارساز است. از سوی دیگر گاه کودک از اختلالات روحی- روانی یا شخصیتی رنج میبرد و برخورد با چنین کودکی نیازمند راهنمایی مشاور متخصص در این زمینه است. نقش مشاوره تخصصی در کشور ما هنوز شناخته شده نیست، اما از تحولات مهم در این زمینه نباید غافل بود.

پیمان نامه حقوق کودک در ماده ۴۰ از دادرسی عادلانه مطابق قانون و همراه با کمک حقوقی یا دیگر کمکهای مقتضی نام برده است. این معنا اگرچه صراحتی بر استفاده از مشاوره در دادرسی کودکان ندارد، اما ادله این تأکید با عبارت و منوط به مغایر نبودن با منافع عالی کودک و به ویژه با توجه به سن یا وضعیت کودک، میتواند ضرورت مشاوره را نیز در خود بگنجاند. همین ماده در بند ۴ اشارهای به مشاوره دارد که هر نوع همیاری مشاورهای، از جمله مشاور حقوقی و روانشناسی را نیز در بر میگیرد. در ایتالیا دادگاه اطفال با حضور دو دستیار که توسط شورای عالی قضات از بین متخصصان روانپزشکی، روانشناسی، جرم شناسی و علوم تربیتی انتخاب میگردند، برگزار میشود. در کانتن ژنو لوزان (سوئیس) نیز دادگاه جوانان به ریاست قاضی جوانان و با شرکت پزشک یا روانپزشک تشکیل میشود (تاج زمان، ۱۳۷۸، ۵۳).

اولین قدم در مسیر استفاده از متخصصین غیرحقوقی، استفاده از مشاور در دادگاه اطفال است. مشاورین باید اصولاً از افرادی صاحب‌نظر در مسائل کودکان و حتی‌الامکان با تخصص غیرحقوقی باشند. قانون تشکیل دادگاه اطفال مصوب ۱۳۳۸ منحصراً در امور جنایی حضور دو نفر مشاور را در تشکیل جلسه دادرسی ضروری میدانست (ماده سوم). در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ این ضرورت مسکوت و مغفول باقی ماند اگرچه برحسب اقتضاء استفاده و ارجاع به نظریات کارشناسان متخصص مورد پیش بینی قرار گرفته بود (ماده ۷).

از جمله موارد دیگری که دادگاه اطفال از نظریات تخصصی صاحب‌نظران غیرحقوقی استفاده میکند جلب نظرات کارشناسان از جمله پزشک، روانپزشک، روانشناس، جامعه‌شناس و غیره است که نقش مهمی در اتخاذ تصمیمات فضای ایفا مینمایند. بنابراین منعطفترین تصمیمات قضایی در حوزه حقوقی کیفری عبارتست از تصمیمات اتخاذی در زمینه حقوق کیفری کودکان که در برگیرنده مشارکت بیشترین آراء غیرحقوقی در پروسه یک تصمیم قضایی است. (شاملو، ۱۳۸۴، ۹۸)

همین امر باعث شده است که امروزه نهاد مددکاری اجتماعی در بیشتر جوامع به گونهای تخصصی ایجاد شد (مندنی، ۱۳۸۸، ۱۰).

از آنجا که امروزه گرایش عمده دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار به رویکرد عدالت ترمیمی است و در این رویکرد بسیاری از جرائم به عنوان اختلاف و تعرض اجتماعی تلقی میشوند، استفاده از نهادهای مددکاری اجتماعی در این دادرسی برای حل اختلافات ضروری پیدا کرده است (کوتیک شوفر، ۱۳۸۲، ۳۹).

عامل دیگری که نهاد مددکاری اجتماعی و دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار را با هم مرتبط میسازد مربوط به نقشی است که مددکار اجتماعی در شناسایی و تحلیل بزهکار اطفال، شناخت شخصیت وی پیشنهاد پاسخهای متناسب برای بزهکاری وی ایفا میکند. قاضی دادگاه اطفال در زمینه، امور نامبرده نیازمند همکاری مددکار اجتماعی است.

ماده (ب) ۴۰/۳ کنوانسیون حقوق کودک، تامین مسائلی مانند مشاوره و راهنمایی در جهت تضمین رفتار متناسب با شرایط جرم ارتكابی آنها در نظر گرفته است. لزوم استفاده از گزارشهای تحقیقی اجتماعی تهیه شده توسط مددکار برای اتخاذ تصمیم مناسب در بند ۱۶/۱ مقررات پکن و ارائه خدماتی در جهت مساعدت به کودک برای استقرار مجدد در اجتماع در ماده ۸۰ مقررات ملت متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی مدنظر قرار گرفته است و ماده ۸۱، وجود مددکاران اجتماعی را در تیم مرتبط با کودک ضروری دانسته است.

در برخی از امور همانند بازداشت خودسرانه، شکنجه، استثمار، ضروری است حمایتهای لازم از کودکان به عمل آید. پیشگیری مبتنی بر این اندیشه است که پیشگیری از بزهکاری نوجوانان نه فقط برعهده برخی افراد و صاحبان مشاغل و حرف خاص، بلکه برعهده کل افراد جامعه است و به نوعی مسئولیت همگانی است. مشارکت به این معنی است که کودکان و نوجوانان باید این فرصت را داشته باشند که عقاید خود را ابراز و دیگران به عقاید و نظرات آنها توجه کنند. مشاوران و مددکاران اجتماعی میتوانند نقش بسیار مهمی در چهار موضوع فوق داشته باشند و در این سیستم مشاوره و مددکاری تلاش شود، تا کودک در همان محیطی باشد که لازم است مورد مساعدت و حمایتهای مقتضی واقع شوند و سعی کنند تا قبل از سر و کار داشتن نوجوانان با دادگاه راهحلی برای مشکل آنان پیدا کنند.

در کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بینالمللی و قانون و مقررات جاری کشورمان به چهار موضوع مهم اشاره شده است این چهار موضوع به چهار P مشهور است. تحت عنوان نیازهای اولیه کودکان، حمایت، پیشگیری و مشارکت در ارتباط با فراهم کردن نیازهای کودکان. هر چند در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بزه دیده در بند ۲ قسمت ب ماده ۶، ۲۹، ۳۲ و ۴۱ برای مددکار اجتماعی نقش پر رنگی به چشم میخورد، اما استفاده از مددکاران اجتماعی در خصوص اطفال بزهکار در قانون کیفری موجود ایران، الزامی نیست.

پرونده شخصیت به عنوان یکی از مهمترین یافتههای جرم شناسی بالینی، در همهی مراحل دادرسی کیفری و حتی پس از طی این مراحل، میتواند مورد استفاده قرار گیرد؛

۱- در تعیین صلاحیت مراجع قضایی

۲- در مرحلهی تحقیقات مقدماتی

۳- در مرحلهی اجرای حکم محکومیت

۴- در مرحلهی پس از تحمل محکومیت کیفری

۱-۱-۶-۱- در تعیین صلاحیت مراجع قضایی: توجه به ویژگیهای شخصیتی متهمان و بزهکاران، در تعیین صلاحیت مراجع قضایی نقش اساسی دارد.. در کشور ایران، با عنایت به صراحت ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری، به تمام جرایم اطفال با هر نوع درجه و طبیعت در دادگاه اطفال رسیدگی میشود. (عباچی، ۱۳۸۰، ۱۰۱).

۱-۱-۶-۲- مرحله تحقیق

طبق مواد ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره تخفیف مجازات، مواد ۴۰ الی ۴۵ قانون یاد شده درباره تعویق صدور حکم، مواد ۴۶ الی ۵۵ قانون مجازات اسلامی درباره تعلیق مجازات، مجازاتهای جایگزین و جز آن، شناسایی شخصیت متهم و مجرم در این مرحله لازم و در نهادهای اعلامی یاد شده و صدور آنها موثر است. همچنین، بند ب ماده ۵۸ ((اینکه پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی شود))، از مراجعه به پرونده شخصیت که حاصل اظهار نظر متخصصان مربوطه است، به دست میآید.

تعلیق اجرای مجازات با توجه به شخصیت بزهکار موضوع فصل ششم قانون مزبور یعنی مواد ۴۶ تا ۵۵ ق.م.ا. نخستین بار در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ طی مواد ۴۷ تا ۵۰ از نوع تعلیق ساده پیشبینی شد در طول تاریخ حقوق جزایی پیش و پس از انقلاب اسلامی، بارها مورد تایید و اصلاح واقع شده است. در نهایت، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ موضوع فصل ششم قانون مزبور، مواد (۴۶ تا ۵۵) به تعلیق اجرای مجازات اختصاص یافت.

معافیت و عفو شخصی: در اصطلاح حقوق کیفری عفو به معنای اقدامی است که با تصویب نهادهای حکومتی، اعم از نهاد رهبری و مجلس قانونگذاری به منظور موقوف ملندن تعقیب متهمان یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان صورت میگیرد. معافیت و عفو شخصی با توجه به توبه شخصیت بزهکار که به صورت عام و خاص انجام میگردد.

ایجاد کمیته هایی برای مراقبتهای بعد از اجرای حکم، باعث میشود تا با توجه به پرونده شخصیت طفل و در صورت عدم دسترسی به این پروندهها یا عدم تشکیل کامل و تخصصی آن در طول مراحل رسیدگی، مسئولین و مددکارانی که در این مراکز مشغول به فعالیت هستند، در مورد هر طفل و نوجوانی که به سزای کجروی خود رسیده است، تحقیقات لازم را انجام دهند و آنچه سبب بروز کجروی او بوده است شناسایی نمایند و تمام تلاش و ابزارهای خود را در جهت برطرف نمودن آن به کار ببرند. در غیر این صورت نوجوان بار دیگر در همان شرایط گذشته قرار خواهد گرفت و همان مسیر را طی خواهد کرد.

علاوه بر این موارد، موضوع مهمی که در توجه به شخصیت اطفال و نوجوانان و آسیب پذیری آنها در مرحله پس از اجرای حکم و نظر قانونگذار در مادهی ۹۵ قانون مجازات اسلامی قرار گرفته این است که محکومیتهای کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری دانسته شده که خود نشانه قانونگذاری با تکیه بر یافتههای جرمشناسی و جلوگیری از مخاطرات انگزنی به این قشر آسیب پذیر جامعه میباشد. مقصود مقنن این است که اطفال و نوجوانان از برخورد نظام عدالت کیفری بیش از این نباید آسیب ببینند و همین اندازه لمس عدالت برای آنها کافی است؛ لذا باید از آثار این محکومیت در امان بمانند. (قربانی زیردهی، ۱۳۹۳، صص ۱۵۹-۱۶۳).

۷-۱-۱- غیرعلنی بودن دادرسی: علنی بودن محاکمه حاکی از دادرسی منصفانه است. دادگاه باید بتواند تماشاجی داشته باشد. علنی نمودن فرایند کشف، تحقیقات مقدماتی و دادرسی و افشای هویت و مشخصات اطفال و نوجوانان از طریق مطبوعات و رسانه‌های گروهی، با حضور افراد، به شخصیت و حیثیت آنان لطمه جبرانناپذیر وارد کرده و موجب سلب اعتماد به نفس ایشان خواهد گردید. طرح اتهام طفل یا نوجوان در کوچه و بازار برچسب‌زنی جرم به وی موجب خدشه دار شدن شخصیت طبیعی او میگردد و وی خود را در قالب مجرم تصور و تجسم مینماید. آنگاه در مسیر اصلاح و تربیتش معضلات اساسی ایجاد میشود

کمیته حقوق کودک نیز در تفسیر خود درباره دادرسی نوجوانان تأکید میکند که، حق کودک به داشتن حریم خصوصی در همه مراحل رسیدگی باید مورد احترام قرار بگیرد. همه مراحل از رسیدگی شامل اولین برخورد قانونی تا تصمیم نهایی به وسیله مقامهای صالح و رهایی از نظارت یا محرومیت از آزادی است. حریم خصوصی در این مورد ناظر به اجتناب از هر گونه ایجاد ضرر به واسطه انتشار و عمومی کردن خبر ارتکاب جرم کودک بزهکار است.

هیچ گونه اطلاعاتی نباید انتشار یابد که منجر به شناسایی کودک مجرم شود. زیرا این امر موجب برچسب‌زنی و بدنامی وی و تاثیر منفی بر تولدایی و امکان آموزش و کارایی و امنیت وی میشود. لذا این حق ایجاب میکند که مقامهای عمومی با رسانه و خبرنگارهایی که اخباری درباره ارتکاب جرم توسط کودکان منتشر میکنند، به شدت برخورد نماید. مقامها باید اقداماتی اتخاذ کنند که به هیچ وجه کودکان بزهکار توسط رسانهها و خبرنگارها قابل شناسایی نباشند و در صورت نقض این حق کودک توسط خبرنگارها، باید آنها مجازات و از کار محروم شوند. کمیته تأکید میکند برای حمایت از حریم خصوصی کودک دولتها باید قوانینی وضع کنند تا دادگاه یا سایر دادرسیهای کودک متهم به نقض قانون غیرعلنی برگزار شود. تنها افراد خبره و کارشناسان با اجازه دادگاه حضور دارند.

کمیته همچنین توصیه میکند که همه دولتهای عضو، قانون غیرعلنی بودن دادرسی نوجوانان را تصویب و استثناهای این مسأله را بسیار محدود و به صراحت در قانون ذکر کنند. این کمیته در ادامه تأکید میکند حق حریم خصوصی نه تنها غیرعلنی بودن دادگاه را ضروری میکند بلکه همه کارمندان و افراد دخیل در پرونده را به حفظ و نگهداری از همه اطلاعات محرمانه کودک که میتواند موجب شناسایی او شود، ملزم مینماید.

ماده ۱۳ از مجموعه مقررات پکن نیز مقرر میدارد: حق نوجوان بر حریم خصوصی باید در تمامی مراحل محترم شمرده شود تا به واسطه اطلاع عموم از جرم و بدنامی، زیانی متوجه او نشود. اصولاً هیچگونه اطلاعاتی که بتواند منجر به تشخیص هویت بزهکار نوجوان شود نباید منتشر شود. در ماده ۱۲-۱ از مجموعه مقررات یاد شده آمده است: سوابق مجرمان نوجوان را باید کاملاً محرمانه از افراد ثالث نگه داشت. دسترسی به دفتر بایگانی سوء پیشینه نیز تنها توسط پرسنلی که مستقیماً در رسیدگی به پرونده دخیل هستند و نیز افراد دارای مجوز امکان پذیر است.

در ایران اصل بر علنی بودن محاکمات دادگاههای کیفری است، مگر، ۱- جرم از جرایم قابل گذشت باشد. ۲- در جرایم منافی عفت. ۳- علنی بودن محاکمات محل امنیت حقوقی یا احساسات مذهبی و قومی باشد. ۴- محاکمات

مربوط به جرایم اطفال سازمان بهزیستی، حق حضور دارند که در این موارد نیز قید دادگاه حضور آنان را لازم بدانند و وجود دارد.

واژه اطفال ظهور در اشخاص نابالغ دارد اما قانونگذار اجازه داده به جرائم اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال نیز در دادگاه اطفال رسیدگی شود و از آنجا که دادرسی جرائم این اشخاص، دادرسی بزرگسالان است پس دادرسی آنان باید به صورت علنی برپا شود اما قانون جدیدی ظهور در آن دارد که دادگاه نوجوانان نیز به صورت غیر علنی برگزار میشود. اصل در دادرسی اطفال، آن است که غیرعلنی باشد پس استثناء محسوب نمیشود اما غیرعلنی بودن دادگاه مربوط به جرائم اطفال را میتوان علنی نسبی دانست؛ یعنی نسبت به برخی اشخاص، علنی و نسبت به برخی اشخاص غیرعلنی میباشد اما به هر حال به نظم عمومی مربوط است و دادگاه ملزم به اجرای آن است و فقط باید به اشخاصی اجازه ورود داده شود که ضرورت دارد. ماده ۳۵۵ ق.آ.د.ک حضور اشخاصی را که کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی دارند به عنوان تماشاگر در محاکمات کیفری ممنوع کرده است که یکی از موارد استثنا به حساب میآید.

۸-۱-۱- بازداشت پیش از محاکمه

به لحاظ آثار منفی مترتب بر قرار بازداشت موقت قبل از محاکمه، از حیث خطر آلودگی به بزهکاری به خصوص درباره اطفال و نوجوانان و نیز مغایرت آن با اصل برائت به جهت تجانس با حبس، حسب موازین فقهی و قواعد بینالمللی و اصول آیین دادرسی کیفری، صدور قرار بازداشت موقت در مرحله تحقیقات و رسیدگی به اتهام اشخاص بزرگسال، تحت شرایط و مقررات ویژه با رعایت احتیاط و آن هم در جرائم واجد درجه خطرناکی شدید، مثل قتل عمد امکان پذیر است (موذن زادگان، ۱۳۹۲ ص ۱۱۷).

معیارهای مربوط به بازداشت کودکان بر پایه این اصل است که در اکثر موارد مصالح عالیله کودک با عدم جداسازی آنها از والدینشان همراه است مورد حمایت قرار گیرد. (به طور ضمنی ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک، اصل ۶ اعلامیه حقوق کودک).

توقیف، بازداشت، حبس کودک تنها به عنوان آخرین راه حل باید مطابق با قانون و برای کوتاهترین زمان باشد. (بند ب ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، قاعده ۱ قواعد سازمان ملل برای حمایت از جوانان محروم از آزادیشان، قاعده ۱۲ قواعد پکن، ماده ۴۶ اصول راهنمای ریاض).

کودک بازداشت شده باید تا زمان محاکمه جدا از بزرگترها نگهداری شود مگر اینکه مغایر با اصل مصالح عالیله کودک باشد. (شق ب بند ۲ ماده ۱۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ه ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، بند ۴ ماده ۱۳ قواعد پکن، قاعده ۲۹ قواعد سازمان ملل برای حمایت از جوانان محروم از آزادیشان، بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی)

شق ج ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک تصریح میکند اگر مصالح عالیله کودک بازداشتشده اقتضا کند، و با بزرگترها نگهداری میشود از جمله اعضای بزرگتر خانواده خودش. (بند ج ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، قاعده ۲۹ قواعد سازمان ملل برای حمایت از جوانان محروم از آزادیشان).

دادگاه تجدیدنظر یا چنانچه طفل یا نوجوان در کانون اصلاح و تربیت نگهداری میشود، به دفتر کانون اصلاح و تربیت تسلیم نمود. (بر اساس مواد ۴۴۵، ۴۴۶ و ۴۴۷).

۱۰-۱-۱- مساعادت رایگان یک نفر مترجم

در مواردی که طفل، توانایی درک مطالب یا تکلم به زبانی را که در نظام دادرسی صغار استعمال میشود، نداشته باشد، حق او است که از مساعادت رایگان یک نفر مترجم برخوردار شود. این مساعادت نباید محدود به جلسه محاکمه دادگاه باشد، بلکه در تمامی مراحل دیگر فرآیند دادرسی صغار نیز فراهم بودن آن ضروری است. نکته مهم دیگر این است که مترجم، برای کار کردن با اطفال، آموزش لازم را دیده باشد، چرا که استعمال و فهم زبان مادری آنها ممکن است با زبان افراد بزرگسال متفاوت باشد. فقدان آگاهی یا تجربه لازم در این خصوص ممکن است درک کامل سوالات مطروحه از سوی طفل را با مشکل مواجه سازد و برخورداری از حق محاکمه منصفانه و مشارکت موثر در رسیدگی را مخدوش سازد. ترکیب شرطی متن کنوانسیون که با اگر شروع شده، اگر طفل نتواند زبان مورد استفاده را درک یا به آن تکلم کند، به این معنا است که برای نمونه، طفلی که به قومیت یا کشور خارجی معینی تعلق دارد ولی علاوه بر زبان مادری خود، قادر به فهم و تکلم به زبان رسمی است، لازم نیست حتماً از مساعادت رایگان مترجم استفاده کند.

بر اساس بند ۲ (ب-۶) ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک، هر کودک حق استفاده رایگان از مترجم در صورتی که کودک قادر به درک زبان مورد استفاده (در دادگاه) نباشد، دارد. همین قاعده در بند ۲ (ج-۲) ماده ۱۷ منشور آفریقای حقوق و رفاه کودک نیز آمده است.

این قاعده‌های است که در سایر معاهدات حقوق بشر بین المللی مانند بند ۳ (ج) ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ (الف) ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و بند ۳ (د) ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز وجود دارد.

همچنین کمیته مایل است توجه دولتهای عضو را به وضعیت اطفال دارای اختلالات تکلمی یا سایر معلولیتها جلب نماید. با توجه به روح حاکم بر شش ششم بند ۲ ماده ۴۰ و نیز مطابق تدابیر خاص حمایتی برای اطفال مبتلا به معلولیت در ماده ۲۳ مقرر گردیده، توصیه کمیته این است که دولتهای عضو، اطمینان یابند که اطفال دارای اختلالات تکلمی یا معلولیتهای دیگر در مواردی که مشمول فرآیند دادرسی صغار واقع میشوند، از مساعادت کافی و موثر افراد خبره کاملاً آموزش دیده مثلاً در مورد زبان اشاره، بهره میگیرند. (در این زمینه، نیز ر.ک. نظریه کلی شماره ۹ کمیته حقوق کودک تحت عنوان حقوق اطفال دارای معلولیت).

قانونگذار کشورمان بدون تفکیک اطفال با بزرگسالان در پنج ماده به شرح مواد ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۶۷، ۳۶۸ و ۵۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری استفاده از مترجم را مورد تقنین قرار داده است.

۱۱-۱-۱- مساعادت حقوقی وکیل یا مساعادت مناسب دیگر

در امر تهیه و ارائه دفاعیات، لازم است مساعدت حقوقی وکیل یا مساعدت مناسب دیگری برای طفل تأمین گردد. کنوانسیون ارائه مساعدت به طفل را الزامی میداند که البته در تمامی حالات لزوماً به صورت مساعدت حقوقی وکیل نبوده ولی باید مساعدت مناسبی باشد. تعیین نحوه تأمین این مساعدت به صلاحدید دولتهای عضو واگذار شده، اما به هر حال مساعدت مزبور باید رایگان باشد. توصیه کمیته به دولتهای عضو این است که تا سر حد امکان، به ارائه مساعدت حقوقی از طریق متخصصین آموزش دیده مانند وکلای آموزش‌دیده یا دستیاران حرفهای وکلا بپردازند. البته مساعدت مناسب دیگر نیز (برای نمونه، از طریق یک مددکار اجتماعی) امکانپذیر است، اما شخص مزبور باید دانش و درک کافی از جنبه‌های مختلف حقوقی فرآیند دادرسی صغار داشته باشد نیز باید برای کار کردن با اطفال معارض با قانون، آموزش حرفهای دیده باشد.

قاعده ۱۸ (الف) از مجموعه قواعد سازمان ملل اضافه میکند: نوجوانان باید حق استفاده از مشورت حقوقی و درخواست بهره‌گیری از کمک حقوقی رایگان در مواردی که چنین کمکهایی مقدور باشد، داشته و به طور منظم بتوانند با مشاوران حقوقی ارتباط برقرار نمایند. حفظ اسرار خصوصی و محرمانه بودن مسائل خصوصی در این ارتباط بایستی تضمین شود.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تحولات مهمی را در خصوص برخورداری از وکیل برای متهم پیشبینی نموده است. این امر، در ماده ۵ این قانون به عنوان یک اصل راهبردی برای متهم در نظر گرفته شده است. بی تردید، حق برخورداری کامل از خدمات وکیل مدافع برای بزه‌دیده نیز در طول فرآیند کیفری وجود دارد.

مطابق مقررات ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق بهره‌مندی از خدمات مشاورهای موجود و سایر معاضدتهای حقوقی آگاه سازند. همچنین به موجب مواد ۳۷ و ۶۸ همین قانون امکان طرح شکایت شاکی شخصاً یا توسط وکیل وی نزد ضابطان دادگستری پیشبینی شده است. اما در خصوص اطفال و نوجوانان مواد ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۱۷ به چشم میخورد.

شاید بتوان از رهگذر اصل سی و پنجم قانون اساسی دولت را مکلف به تهیه امکانات مناسب برای دسترسی بزه‌دیده به وکیل در موارد ناتوانی مالی-اقتصادی وی دانست.

۱۲-۱-۱- اتخاذ تصمیمات و آراء بدون تاخیر

در سطح بین‌المللی، اتفاق نظر وجود دارد که برای اطفال معارض با قانون، فاصله زمانی میان ارتکاب جرم و واکنش نهایی به عمل مورد نظر باید تا سر حد امکان کوتاه باشد. هر قدر این فاصله زمانی طولانی باشد، احتمال بیشتری می‌رود که واکنش انجام شده، اثر مثبت و مطلوب تربیتی خود را از دست بدهد، ضمن آنکه بدنامی و برچسب‌زنی طفل هم بیشتر میشود. بر همین اساس، کمیته به جزء ب ماده ۳۷ کنوانسیون هم استناد میکند که به موجب آن، اطفال محروم شده از آزادی حق دارند فوراً به شکایت و اعتراض آنها نسبت به سلب آزادی رسیدگی شود. با توجه به اهمیت موضوع سلب آزادی، کلمه فوراً به درستی انتخاب شده و مؤکدتر از لفظ بدون تاخیر است که به نوبه خود، نسبت به عبارت بدون تاخیر ناموجه مذکور در جزء ج بند ۳ ماده ۱۴ میثاق، تاکید بیشتری را میرساند.

بر اساس بند ۲ (ب-۳) ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک، روشن شدن موضوع در اسرع وقت توسط مقام یا ارگان قضایی بیطرف و مستقل و طی یک دادرسی عادلانه در حضور وکیل یا سایر کمکهای حقوقی، مگر اینکه این امر در جهت منافع کودک تشخیص داده نشود، خصوصاً با در نظر گرفتن سن، موقعیت و یا والدین یا قیم قانونی کودک بر اساس بند ۴ (ج-۲) ماده ۱۷ منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک، پرونده مربوط به کودک متهم باید توسط یک دادگاه بی طرف به سرعت مورد بررسی قرار گیرد.

معاهدات بین المللی حقوق بشر ضامن حق محاکمه بدون تأخیر موجه متهم) بند ۳ (ج) ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی) یا در مدت زمان معقول) بند یک ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) هستند. مورد کودکان، مسأله سرعت در دعاوی قضایی اهمیت خاصی دارد و کودک باید بدون تأخیر محاکمه شود. ماده ۴۰ کمیسیون حقوق کودک کلمه غیرموجه را حذف کرده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای این وضعیت علاوه بر تأکید بر سریع بودن زمان، حداکثر مهلت ۲۴ ساعته برای ارسال پرونده به نزد مقامات قضایی تعیین شده است. به موجب اصل ۳۲ ق.ا: هیچ کس را نمیتوان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین میکند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد این مقرر اساسی در مواردی از ق.آ.د.ک از جمله مواد ۴۶ و ۴۷ مورد توجه قرار گرفته است.

ماده ۳ مراجع قضایی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاهترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری میشود، جلوگیری کنند.

۱۳-۱-۱- ضرورت حضور والدین، سرپرستان قانونی

کمیته حقوق کودک معتقد است، دادرسی منصفانه مستلزم این است که کودک متهم یا محکوم به نقض قانون قادر به حضور و مشارکت موثر در محاکمه باشد. این کمیته همچنین تأکید میکند، والدین یا قیم قانونی کودک باید در رسیدگی حضور یابند زیرا میتوانند کمکهای عاطفی و روانی مفیدی برای کودک فراهم کنند. البته این حضور بدین معنا نیست که آنها اجازه دفاع از کودک یا دخالت در تصمیمگیری داشته باشند. تصریح میکند والدین یا سرپرست صغیر حق دارند در روند رسیدگی مشارکت داشته باشند، ضمن آنکه مقام صالح میتواند در جهت مصلحت فرد صغیر، آنها را ملزم به حضور در جلسات رسیدگی نماید، با این وجود، چنانچه شواهدی وجود داشته باشد که بتوان براساس آنها فرض کرد که محروم کردن این اشخاص از شرکت در رسیدگی، برای حفظ منافع فرد صغیر ضرورت دارد، مقام صالح میتواند آنها را از چنین مشارکتی منع نماید. مقررات و مجموعه قواعد پکن نیز درباره حق شرکت و حضور در محاکمه متذکر شده است: والدین یا قیم نوجوانان از حق شرکت در مراحل دادرسی برخوردارند. ممکن است مقام صلاحیتدار از آنها بخواهد، در جهت منافع نوجوانان در آن مراحل حضور یابند. ولی در صورتی که مقام صلاحیتدار دلایل کافی جهت منع شرکت آنان در جهت منافع

بند ۵ ماده کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر تصریح میدارد افراد صغیری که موضوع دعاوی کیفری هستند باید از بالغین جدا و با حداکثر سرعت ممکن در دادگاههای خاص محاکمه شوند تا این که با آنان مطابق با وضعیتشان به عنوان افراد صغیر رفتار شود.

کمیته حقوق کودک تأکید مینماید که اصول و قواعد ذیل، در زمره اموری هستند که رعایت آنها در تمامی مصادیق سلب آزادی، الزامی است:

- محیط فیزیکی و اقامتگاه در نظر گرفته شده برای اطفال باید متناسب با اهداف بازتوانی موردنظر از نگهداری آنها در موسسه باشد و نیازهای آنها برای حفظ حریم خصوصی، فعالیتهای حسی- حرکتی، داشتن فرصت برای معاشرت با همسالان و مشارکت در ورزش و تربیت بدنی، فعالیتهای هنری و سرگرم کننده در اوقات فراغت، به شایستگی مطمح نظر قرار گیرد؛

- هر طفلی که در سن تحصیل اجباری باشد، از حق آموزش متناسب با نیازها و تواناییهای خود برخوردار است که باید برای آماده ساختن وی به منظور بازگشتن به جامعه، سازمان یابد؛ علاوه بر این، لازم است هر طفلی، در هر مورد که مناسب باشد، در مشاغلی که محتمل است او را برای اشتغال در آینده آماده گرداند، حرفهآموزی نماید.

- به محض پذیرش طفل در توقیفگاه یا موسسه اصلاح و تربیت، طفل حق دارد به وسیله یک نفر پزشک معاینه شود و در طول زمان اقامت در موسسه، لازم است از مراقبت پزشکی کافی استفاده نماید که حتی الامکان باید از طریق مراکز و خدمات درمانی عمومی (خارج از موسسه) تأمین شود.

- کارکنان موسسه وظیفه دارند تماس و ارتباط منظم و مستمر طفل با جامعه بیرون از موسسه از جمله به صورت تماس و ارتباط با اعضای خانواده، دوستان و سایر اشخاص یا نمایندگان سازمانهای معتبر و خوشنام خارج از موسسه و فرصت دیدار با اعضای خانواده یا بازدید از خانه را تسهیل و تشویق نمایند.

- وسایل مهار یا اجبار فقط در مواردی قابل استفاده است که طفل، خطر فوری صدمه نسبت به خود یا دیگران را ایجاد میکند، آن هم فقط در صورتی که هیچ تدبیر دیگری برای کنترل او باقی نمانده باشد. کاربرد وسایل مهار و اجبار، اعم از مهارهای فیزیکی، مکانیکی یا دارویی- درمانی، باید تحت کنترل و مدیریت مستقیم و دقیق پزشک متخصص یا روانشناس باشد. هرگز نباید این وسایل را به عنوان شیوهای برای تنبیه مورد استفاده قرار داد. ضرورت دارد که کارکنان موسسه، در خصوص ضوابط مربوطه آموزش لازم را ببینند و آن دسته از کارکنان که با تخلف از قواعد و ضوابط، دست به کاربرد اجبار یا وسایل مهار میزنند، باید به نحو مقتضی مجازات و تنبیه شوند.

- هر نوع اقدام انضباطی باید با پشتیبانی از کرامت ذاتی فرد صغیر و اهداف بنیادین مراقبت در موسسه، سازگار باشد؛ اقدامات انضباطی ناقض ماده ۳۷ کنوانسیون، از جمله مجازات جسمانی، نگهداری در سلول تاریک، نگهداری در محل مقفل یا به شکل انفرادی و یا هرگونه تنبیه یا مجازات دیگری که بتواند به سلامت و بهداشت جسمانی یا روانی طفل موردنظر لطمه وارد آورد، باید اکیدا ممنوع باشد.

-هر طفلی باید از حق شکایت و طرح درخواستهای خود، بدون سانسور محتوایی، خواه خطاب به مدیریت عالی موسسه و خواه خطاب به مقام قضائی یا سایر مقامات مستقل فراخور نیاز، برخوردار باشد و بدون تأخیر، از پاسخ آنها مطلع ساخته شود؛ لازم است اطفال از این سازوکارها آگاهی داشته و به آسانی، آنها را در دسترس داشته باشند.

-به بازرسان مستقل و واجد شرایط و صلاحیت لازم باید اختیار داده شود که به نحو منظم، مخصوصاً به طور سرزده و هر وقت خود صلاح بدانند، از موسسه بازرسی نمایند؛ این بازرسان باید تأکید ویژه بر گفتگو با اطفال نگهداری شده در موسسه به تربیت محرمانه و شنیدن مطالب آنها داشته باشند.

در قوانین ایران نیز مقرراتی در خصوص جداسازی متهمین وضع و به تصویب رسیده و در آیین نامه و مقررات زندانها مصوب ۱۳۶۹/۳/۲۹ آمده است که برای پیشگیری از تأثیرپذیری منفی کودکان بزهکاری که به زندان محکوم میشوند، جداسازی آنان از بزرگسالان به طور جدی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است.

به موجب ماده ۷۷ آیین نامه قانونی و مقررات اجرائی سازمان زندانها اعزام زندانی به یکی از قسمتهای زندان یا موسسات تامینی و تربیتی برحسب سابقه، جنسیت، نوع جرم، مدت مجازات، وضع جسمانی و روانی و چگونگی شخصیت و استعداد و.. حسب تشخیص شورای طبقه بندی انجام میگیرد. در تبصره ۱ همین ماده مقرر شده: زنان به طور کلی و جوانان تا ۲۰ سال اعم از متهم و محکوم، به طور جداگانه نگهداری میشوند همچنین هنگامی که زندانیان به طور دسته جمعی نگهداری شوند، باید منتهی کوشش و دقت را در انتخاب یک گروه از حیث تناسب سن و جهات دیگر به خصوص به هنگام خواب به عمل آورد و خصوصاً در شب بازدید و نظارت بیشتری درباره آنان اعمال گردد (ماده ۸۲ آیین نامه قانون و مقررات اجرائی سازمان زندانها)پ

ه موجب ماده ۲ آیین نامه اجرائی قانون اصلاح و تربیت، قسمتهای مختلف کانون از یکدیگر مجزا بوده و کودکان برحسب سن و سابقه ارتکاب جرم و حتی از نظر نوع جرم و درجه تربیت پذیری و جنسیت طبقه بندی خواهند شد.

از نظر بهداشت روانی نیز این جداسازی مورد لحاظ قرار گرفته و مجرمینی که اختلال دارند جدا از دیگران نگهداری میشوند (ماده ۱۴ آیین نامه اجرائی سازمان کانون اصلاح و تربیت). از طرفی قانونگذار کشورمان در مواد ۲۳۸، ۲۸۷، ۳۰۴، ۵۲۵ و ۵۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری برخی از ملاحظات بین المللی را مد نظر قرار داده است.

به نظر می‌رسد که ویژگیهای مزبور به لحاظ تأمین منافع عالی کودکان و نوجوانان، با توجه به روایات معتبر در تکریم شخصیت و تعلیم و تربیت و مواظبت اطفال و نیز عدم وجود هیچ گونه ردعی و منعی، مغایرتی با موازین حقوق اسلام نداشته و در نظام دادرسی کیفری ایران اعمال شده است.

به موجب ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری لزوم تشکیل پرونده شخصیت تنها در جرایم دارای کیفر سلب حیات و تعزیر از درجه یک تا درجه شش پیشبینی شده است. در سایر موارد تشکیل پرونده شخصیت برای قاضی الزامی نیست در حالی که گزینش یک پاسخ مناسب نیازمند شناسایی ابعاد مختلف شخصیت بزهکار است از اینرو بهتر است تشکیل پرونده شخصیت طفل بزهکار در تمامی جرایم ارتكابی از سوی آنان الزامی شود.

۲- لزوم همراه بودن مددکار اجتماعی با طفل بزهکار از نخستین مراحل تعقیب تا پس از اجرای مجازات: هر چند در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بزه دیده در بند ۲ قسمت ب ماده ۶، ۲۹، ۳۲ و ۴۱ برای مددکار اجتماعی نقش پر رنگی به چشم می‌خورد، اما استفاده از مددکاران اجتماعی در خصوص اطفال بزهکار در قانون کیفری موجود ایران، الزامی نیست.

۳- تصویب فوری لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان:

پیشبینی ماده ۳۱ و ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص و همچنین پیش بینی آن در بند ۶ ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ ناقص است. به عبارت بهتر عملاً به دو دلیل قدرت اجرایی ندارد؛ اولاً ذیل ماده ۳۱ مقرر شده است که وظایف و حدود اختیارات ضابطین به موجب لایحه‌های است که توسط رئیس قوه قضاییه تهیه می‌شود که بهرغم گذشت هفت سال از زمان تصویب ماده ۳۱ هنوز به مرحله تصویب نرسیده و این لایحه در حال حاضر در کمیسیون لوایح دولت در دست بررسی است.

ثانیاً مواد مرقوم در تعارض با ماده ۲۸۵ و تباصیر آن می‌باشد، زیرا به حکم تبصره ۱ ماده ۲۸۵ به طور کلی در تمامی جرایم اطفال زیر ۱۵ سال که نابالغان نیز جزء آنانند، وظایف ضابطان در جریان تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه اطفال و نوجوانان انجام می‌شود. حتی در جرایم مشهود نیز تبصره ۲ ماده ۲۸۵ اجازتی انجام تحقیقات از آنها را از ضابطان دادگستری سلب نموده است. پیشنهاد می‌شود در اسرع وقت لایحه پلیس ویژه کودکان از نوجوانان تصویب و تایید گردد چرا که در این مدت از سال ۱۳۹۴ تا کنون آن خیلی از کودکان از حقوقشان محروم شده‌اند. و ایجاد پلیس ویژه اطفال در برخی از کلاتریها بدون تصویب این لایحه چندان موثر نبوده ضمن اینکه عملاً تکلیف و الزام قانونی برای اجرای آن ندارند.

۲۴- تدین، عباس، سن مسئولیت کیفری اطفال و واکنشهای اجتماعی در برابر بزهکاری آنان در کشورهای اروپایی و ایران، مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، معاونت آموزش پلیس پیشگیری، چاپ نخست، ۱۳۸۸.

- ع: _____
- ۱- آشوری، محمد، سیاستهای قضایی جدید در خصوص نوجوانان، گزارش کارگاههای آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان در سالهای ۱۳۷۹-۸۰.
 - ۲- ابراهیمی، فاطمه، حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.
 - ۳- اسدی، لیلاداد، تاثیر حقوق بشر بر مقررات دادرسی ایران ناظر به کودکان، انتشارات معاونت آموزشی پلیس پیشگیری، چاپ اول، ۱۳۸۸.
 - ۴- باقری قلعه سلیمی، فروزان، حمایت از کودکان در سازوکارهای قضایی و غیرقضایی تعقیب کیفری نقض حقوق آنان، دانشگاه شهید بهشتی مقطع کارشناسی ارشد حقوق بین المللی، ۱۳۹۴.
 - ۵- حبیب زاده، محمد جعفر، مقدسی رویین، محمد باقر، ۱۳۸۵، درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال بزه دیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین المللی، نامه مفید، جلد ۲، شماره ۱
 - ۶- خواجه نوری، یاسمن، حقوق کیفری اطفال بزهکار و جهانی شدن آن دانشگاه شهید بهشتی، رساله دکتری، ۱۳۹۰.
 - ۷- دروینی اکرامی، سهیلا، نظام پاسخها به بزهکاری اطفال در حقوق ایران و اسناد سازمان ملل، دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کیفرشناسی ارشد، ۱۳۹۰.
 - ۸- زینالی، حمزه، نوآوریهای قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالشهای فراروی آن، مجله رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال دوم، شماره ۷، صص ۳۸-۲۰.
 - ۹- ساز و کارهای حقوق کیفری ایران در زمینه اعمال حق دادخواهی کودکان بزه دیده (حق بر شکایت کودک)، مجله پژوهش حقوق جزا و جرم شناسی، شماره ۳، ۱۳۹۳، صص ۷۸-۶۰.
 - ۱۰- شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال، انتشارات جاودانه، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
 - ۱۱- صلاحی، جاوید، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.
 - ۱۲- امامی نمینی، محمود، دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، جلد اول، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹.
 - ۱۳- عابدینی، غلامرضا، علوی، سیدمحمدتقی، بررسی محتویات پرونده کیفری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران، حقوق جزا و سیاست جنایی، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان، ۱۳۹۱، صص ۱۱۹-۹۷.
 - ۱۴- عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
 - ۱۵- حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰.
 - ۱۶- فرزین راد، رویا، تبیین حقوقی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و نگرشی بر کارکرد پلیس ایران، فصل نامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره اول، صص ۱۵۶-۱۴۱.
 - ۱۷- قربانی زبردهی، پگاه، پرونده کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار، انتشارات جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۳.
 - ۱۸- کوشا، جعفر، خواجه نوری، یاسمن، جهانی شدن مفهوم طفل در بستر حقوق کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۹، صص ۱ تا ۳۱.
 - ۱۹- کوتیک شوفر، مایکل، نقش مددکار اجتماعی در نظام امروری دادرسی نوجوانان، گزارش کارگاه آموزشی مشترک یونسف و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی برای مددکاران اجتماعی (تهران ۱۰ تا ۱۲ مهرماه

- Ambos, Kal ((۲۰۰۲ , Other Grounds for Excluding Criminal Responsibility in Antonio Cassese, Paola Gaeta and John R. W. D. Jones (eds) , The Rome Statute Of The International Criminal Court: A Commentary , New York , Oxford University Press , ۲۰۰۲.
- Ambos , Kai, Defences in International Criminal Law , in Bertram S. Brown (ed.) , Research Handbook on International Criminal Law, MChaltenham et al: Elgar. ۲۰۱۱.
- Ashworth. Andrew, Principles of Criminal Law, ۴th edn., Oxford, Oxford University Press ۲۰۰۳.
- Banekas, Ilias & Susan Nash, International Criminal Law, Second Edition, Cavendish Publishing, ۲۰۰۳.
- Cassese, Antonio, International Criminal Law, ۲nd New York, Second Edition, Cavendish Publishing, ۲۰۰۳.
- Cassese, Antonio ((۲۰۰۸. International Criminal Law. Second Edition.
- Chiesa, L.E. Duress, Demanding Heroism, and Proportionality , Vanderbilt Journal of Transnational Law, ۲۰۰۸.
- Cryer, Robert, Hakan Friman, Darryal, Robinson and Elizabeth, An Introduction to International Criminal Law and Procedure, ۲nd edn, New York, Cambridge University Press. ۲۰۱۰.
- Darcy, Shane, Defences to International Crimes , printed in William A. Schabas and Nadia Bernaz, Routledge Handbook of International Criminal Law, Routledge, ۲۰۱۱.